

نقش آسیای میانه کهن در نشر حدیث شیعه

مهدی غلامعلی*

احمد غلامعلی**

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا تاریخ حدیث شیعه را در محدوده زمانی پنج قرن نخست هجری در بخشی از آسیای میانه (ماوراء النهر) بررسی کند. برای این منظور شاخصه‌های اساسی - که به بررسی تاریخ حدیث این منطقه منجر می‌شود - مطالعه و به تفکیک بررسی شده است. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: تعداد راویان، جلسات حدیث، کتاب‌های حدیث و موضوعات آنها، ارتباط با دیگر حوزه‌های حدیثی و نحوه تعامل حدیثی با اهل سنت منطقه.

از آنجا که این منطقه در شرق بلاد اسلامی، بسیار وسیع بوده و در دوره‌های مختلف نیز حالت‌های گوناگون به خود دیده است در نحوه بررسی این شاخص‌ها عناصر زمان و محدوده جغرافیایی مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تاریخ حدیث، کتاب حدیث، جلسات حدیث، راویان، ماوراء النهر، اشروسنه، بخارا، صغد، ایلاق، فرغانه، کش و نسف.

درآمد

به دریاچه آرال (یا خوارزم) در ازبکستان رودی سرازیر می‌گردد که آن را آمو دریا (جیحون و یا آمویه) گویند. این رود بزرگ از ارتفاعات کوه‌های هندوکش و فلات پامیر سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از جنوب تاجیکستان و تشکیل مرز جنوبی آن با افغانستان، وارد خاک ازبکستان و سپس ترکمنستان شده و سرانجام در خاک ازبکستان به دریاچه آرال می‌ریزد. طول این رود عظیم بیش از دو هزار و پانصد و چهل کیلومتر است. در تقسیمات جغرافیایی ایران قدیم، رود آمویه از جنوب شرقی خراسان قدیم آغاز و تا

* عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشکده علوم حدیث.

** عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث.

شمال غربی آن ادامه داشته و به دریاچه خوارزم می‌ریخته است. وجود رودخانه‌ای عظیم همراه با آبراه‌های فرعی و هوای معتدل در شرقی‌ترین منطقه در بلاد اسلامی، سبب شده بود که همواره مناطق پیرامونی آمویه، محل سکونت و نضج تمدن‌های گوناگون گردد. در آن روزگار به شهرها و ولایات آن سوی رود جیحون (یا آمویه)، ماوراءالنهر می‌گفتند.

بلاذری^۱، بنابر گزارش معجم البلدان، خراسان قدیم را بر چهار ناحیه تقسیم کرده بود که عبارت بودند از: ایران شهر، مروشاهجان، غرب نهر و ماوراءالنهر.^۲ این محدوده در حال حاضر شامل خراسان فعلی و سه جمهوری ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان و نیز بخشی از پاکستان و قسمت قابل توجهی از افغانستان است.

ماوراءالنهر در قرن اول، پس از آن که رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت، به تدریج عالمان و راویان حدیث را به خود دید. روند مهاجرت عرب‌زبانان و رزمندگان مسلمان که برای فتح و یا حفاظت از محدوده شرقی بلاد اسلامی به این مناطق سفر می‌کردند گسترش می‌یافت و سال‌ها ادامه داشت. در میان این مسافران عرب‌زبان گروه‌هایی از محدثان نیز حضور داشتند. برخی از ایشان در لباس یک رزمنده برای خدمت به حکومت اسلامی به خراسان آمده بودند؛ به عنوان نمونه، قثم بن عباس بن عبدالمطلب پسر عموی پیامبر خدا، از سرشناسان صحابه^۳ و همچنین از اصحاب، راویان و کارگزاران امام علی^۴ است که به عنوان فرمانده به سمرقند سفر و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را می‌توان نخستین راوی حدیث در ماوراءالنهر دانست.

تقسیمات جغرافیایی

ماوراءالنهر در دوران گذشته و عصر خراسان بزرگ؛ دارای هفت منطقه یا به تعبیر امروزی هفت استان بوده است. هر کدام از این استان‌ها، شهرها و آبادی‌های متعددی را در خود جا داده بودند. گذشته از روستاهای فراوان این منطقه که عموماً حاصلخیز و سرسبز بوده است؛ شهرهای مهم آن در پژوهش حاضر بررسی گردید تا چنانچه راویان و یا فعالیت‌های حدیثی در آنها شکل گرفته باشد مورد مطالعه قرار گیرند. بر اساس آخرین پژوهشی که در تقسیم‌بندی خراسان قدیم انجام شده، ماوراءالنهر دارای هشت ولایت بوده است. این ولایات عبارت بوده‌اند از: اُسْرُوسَنَه^۵، بخارا، صُغْد (ولایت صغد خود دارای

۱. تقسیم‌بندی بلاذری در آثار به جا مانده از وی یافت نشد. این تقسیم‌بندی متأثر از تقسیمات کشوری ایران در عصر ساسانیان است.

۲. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. المناقب ابن شهر آشوب، ج ۲: باب درجات امیر المؤمنین، فصل «فی المسابقة بالاسلام».

۴. رجال الطوسی، ص ۷۹.

۵. این ولایت اکنون با نام «اوراتیه» در کشور ازبکستان است. (فرهنگ‌نامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران، ص ۲۶).

شهرهای: اربنجن،^۶ اشتیخن، دبوسیه^۷ و سمرقند بوده است) کشانیه، شاش یا چاچ^۸ (که خود دارای سه شهر اسفجیاب،^۹ ایلاق و شاش بوده است)، فرغانه، کش^{۱۰} و نسف^{۱۱}.

دین و مذهب

پس از فتح کامل خراسان در سال ۳۱ هجری،^{۱۲} همواره اکثریت مردم ماوراءالنهر را اهل سنت تشکیل می‌دادند. در سده دوم، در میان مردم بخارا تنی چند از راویان امام صادق علیه السلام دیده می‌شود. غالب آنها از راویان اهل سنت هستند که شاگرد امام ششم نیز بوده‌اند. در طول پنج قرن نخست هجری، از هیچ کدام از شهرهای ماوراءالنهر به عنوان یک شهر شیعه‌نشین در گزارش‌های تاریخی یاد نشده است. و از وجود شیعیان - به صورت یک جمع مستقل - در این مناطق خبری نیست. تنها در اواخر سده سوم و ابتدای سده چهارم، مناطق سمرقند و کش شاهد جمع قابل توجهی از شیعیان است که در مجاورت اهل سنت زندگی می‌کردند. به نظر می‌رسد که تعداد شیعیان در عصر غیبت صفرا در این محدوده چشم‌گیر بوده است. چه اینکه از ناحیه مقدسه وکیلانی همچون جعفر بن معروف^{۱۳} و علی بن الحسین مشهور به ابن ابی طاهر طبری^{۱۴} در کش (و احياناً سمرقند) مأمور بوده‌اند.

تاریخ حدیث ماوراءالنهر

منطقه ماوراءالنهر نقش بسزایی در شکل‌گیری و توسعه کیفی حدیث اهل سنت داشته است. در این منطقه بسیاری از عالمان و محدثان بزرگ عامه پرورش یافته و کتاب‌های مهمی در موضوع حدیث تدوین شده است. تدوین پنج کتاب از شش کتاب اصلی عامه، شکل‌گیری حوزه‌های حدیثی متعدد ایشان در جای جای خراسان قدیم و رفت و آمدهای مکرر حدیث‌پژوهان عامه به این سامان نشان از مرکزیت حدیث سنیان در منطقه خراسان و به ویژه ماوراءالنهر در سده‌های سوم و چهارم هجری داشته است. شیعیان نیز در برهه‌هایی از پنج قرن نخست در مناطق مختلف ماوراءالنهر حضوری حاشیه‌ای داشته‌اند. اما این حضور اندک مانع از آن نشد که در حفظ و نشر عقاید خویش کوتاهی نکنند. آنان حتی در بخارا و سمرقند به نسبت اندک بودند، حضور پر رنگ و تقریباً پر هیاهو - به ویژه در سمرقند سده سوم و چهارم - داشته‌اند.

۶. این شهر اکنون با نام «اربنجن» در حوالی سمرقند از کشور ازبکستان است. (همان، ص ۲۲).

۷. این شهر اکنون با نام «ضیاء الدین» در کشور ازبکستان است. (همان، ص ۷۱).

۸. این ولایت - که عرب‌ها آن را این‌گونه می‌خواندند - همان شهر «تاشکند» پایتخت کشور ازبکستان است. (همان، ص ۱۰۰).

۹. این شهر اکنون با نام «سیرام» در کشور قزاقستان است. (همان، ص ۲۶).

۱۰. این ولایت اکنون با نام «شهر سبز» در کشور ازبکستان است. (همان، ص ۱۲۲).

۱۱. این ولایت اکنون با نام «قرشی» در کشور ازبکستان است. (همان، ص ۱۴۶).

۱۲. *ارباع خراسان الشهيرة*، ص ۴۴۷ - ۵۵۶.

۱۳. احنف بن قیس در سال ۱۸ ق، بخش‌هایی از خراسان را فتح کرد، ولی مقاومت ساسانیان مانع از پیشروی بیشتر شد تا سرانجام، عبدالله بن عامر در سال ۳۱ ق، توانست کل خراسان را بدون خونریزی تسخیر نماید. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲).

۱۴. *رجال الطوسی*، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۱.

۱۵. همان، ص ۴۲۹، ش ۶۱۶۲.

این پژوهش بر آن است که تاریخ حدیث شیعه را در محدوده پنج قرن نخست هجری در منطقه ماوراءالنهر بررسی کند. برای این منظور مواردی که به بررسی تاریخی حدیث - که همان دستیابی به فراز و نشیب‌های حدیثی در این منطقه است - را مورد مطالعه قرار داده و در شاخصه‌های اساسی تاریخ حدیث جداگانه بیان خواهد شد. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: تعداد راویان، جلسات حدیثی، کتاب‌های حدیثی و موضوعات آنها، ارتباط با دیگر حوزه‌های حدیثی و نحوه تعامل حدیثی با اهل سنت منطقه. از آنجا که منطقه خراسان در شرق بلاد اسلامی بسیار وسیع بوده و در دوره‌های مختلف نیز حکومت‌ها و اندیشه‌های گوناگون به خود دیده است در نحوه بررسی این شاخصه‌ها عناصر زمان و محدوده جغرافیایی مورد توجه قرار گرفته است.

الف) تعداد محدثان ماوراءالنهر

راویان متعددی در پنج قرن نخست هجری در ماوراءالنهر برای حدیث شیعه سودمند بوده‌اند و با نشر روایات اهل بیت در آن سامان پاسداری از مکتب اهل بیت را رسالت اصلی خود می‌دانستند. اکثریت قریب به اتفاق ایشان از محدثان شیعی بوده‌اند هر چند در میان ایشان راویان سنی که انصاف را رعایت می‌کردند و فضایل اهل بیت را منتشر می‌ساختند هم دیده می‌شود. دانشیان شیعی با اعتماد به محدثان عالی مقام آن دیار برگ‌هایی درخشان را در تاریخ حدیث شیعه در دورترین بلاد اسلامی ورق زدند. از پژوهشی که در متون روایی و رجال شیعه و سنی انجام شد، اسامی و نوع تلاش‌های حدیثی ۱۲۳ راوی حدیث شیعه تا سده پنجم در این منطقه کشف شد.^{۱۶} در نوشتار پیش رو ضمن بر نمودن حضور راویان در جغرافیای زمان و مکان، خواننده در می‌یابد که شکوفایی تاریخ حدیث در این محدوده بیشتر در قرن چهارم و در رتبه بعد قرن سوم بوده است. همچنین بیشترین محدثان شیعه در شهرهای بخارا و سمرقند سکنی گزیده بودند. دقت در گزارش زیر می‌تواند مبنای تحلیل‌هایی دراز دامن باشد.

سده اول هجری

مجموع راویان سده نخست هجری در ماوراءالنهر، ۵ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۴ نفر راوی در سده اول با عنوان بخاری در کتب رجال ثبت شده‌اند که احتمالاً تصحیف در نسبت رخ داده و آنها النجاری بوده باشند، نه البخاری.^{۱۷}

۱۶. تفصیل اسامی این محدثان به همراه معرفی زندگی‌نامه حدیثی ایشان در کتاب *تاریخ حدیث ماوراءالنهر و بلخ* به صورت مستقل به زودی منتشر خواهد شد.

۱۷. چه این که بخارا در روزگار پیامبر خدا هنوز فتح نشده بود. همچنین نجاری به افرادی می‌گفتند که یکی از این سه حالت را دارا بوده‌اند:

الف) منسوب به تیره‌ای از قبیله خزرج؛

ب) منسوب به محله‌ای در کوفه که بنو نجار در آنجا ساکن بوده‌اند؛

ج) منسوب به مذهب گروهی از معتزله که به آنها نجاریه گفته می‌شود؛

به نظر می‌رسد این افراد منسوبان به قبیله خزرج بوده باشند.

سمرقند: یک راوی؛ او قثم بن عباس بن عبدالمطلب قرشی هاشمی،^{۱۸} صحابی پیامبر خدا و راوی^{۱۹} و از کارگزاران امام علی^ع است.

سده دوم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده دوم هجری ۹ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از: بخارا: ۷ نفر راوی. شش نفر از ایشان از اصحاب امام صادق^ع هستند.

فرغانه: ۱ راوی. او محمد بن اسماعیل بن جعفر مشهور به مکتوم نوه امام صادق^ع (۱۳۱-۱۹۸ ق) است که گفته شده سال‌های پیاپی عمرش را در فرغانه یا نیشابور سپری کرده است.^{۲۰} نَسَف (نخشب): ۱ راوی. ابو اسحاق نسفی؛^{۲۱} که استاد أبوحمزه ثمالی (ثابت بن دینار) است.

سده سوم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده سوم هجری ۳۲ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از: بخارا: ۷ راوی.

سمرقند: ۱۲ راوی. که مشهورترین و پرکارترین ایشان حسین بن إشکیب (ابو عبدالله) مروزی قمی از اصحاب امام هادی و امام عسکری^ع است.^{۲۲}

شاش (چاچ): ۲ راوی. به نام‌های أحمد بن یوسف شاشی^{۲۳} (استاد کلینی) و محمد بن یوسف شاشی^{۲۴} (هر دو راوی احادیث مهدویت بوده‌اند).

کَش: ۱۱ راوی. این راویان از اساتید عیاشی و کشی بوده‌اند و از آنجا که این دو تن هم طبقه با کلینی (م ۳۲۹ ق) هستند، می‌توان احتمال داد که بیشتر اساتید ایشان در سال‌های پایانی سده سوم زندگی می‌کرده‌اند. تنی چند از مشاهیر راویان شیعه کش در این دوره عبارت‌اند از: ابراهیم بن نصیر کشی^{۲۵} - دانشمند ثقه و محدث پر روایت شهر کش - جعفر بن معروف کشی^{۲۶} (أبو محمد) - راوی، عابد و وکیل از جانب امامان در شهر کش - حمدویه بن نصیر کشی^{۲۷} - محدث مورد اعتماد - و محمد بن نصیر^{۲۸} - راوی ثقه، جلیل‌القدر و کثیر العلم شهر کش.

۱۸. المناقب ابن شهر آشوب، الجزء ۲، باب درجات أمير المؤمنين^ع، فی فصل فی المسابقة بالاسلام.

۱۹. رجال الطوسی، ص ۷۹.

۲۰. الفائق فی رواة اصحاب الصادق^ع، ج ۳، ص ۳۱.

۲۱. تفسیر ابی حمزة الثمالی، ص ۲۷.

۲۲. رجال الطوسی، ص ۳۹۸ و ۴۲۰.

۲۳. الغیة، للطوسی، ص ۴۱۵، ح ۳۹۲.

۲۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۱۱.

۲۵. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۳۳.

۲۶. همان، ص ۴۱۸.

۲۷. همان، ص ۴۲۱، ش ۶۰۷۴.

۲۸. همان، ص ۴۴۰، ش ۶۲۸۴.

سده چهارم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده چهارم هجری ۶۵ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

أُسْرُوسْتَه (أُسْرُوسْتَه): یک راوی: عمار بن حسین بن إسحاق مشهور به أُسْرُوسْتَه (استاد شیخ صدوق).^{۲۹}

بخارا: ۲۱ راوی. دو تن از راویان مشهور بخارا در این دوران عبارت‌اند از: حسین بن علی بن محمد قمی، معروف به أبو علی بغدادی (استاد شیخ صدوق) از مرتبطين با حسین بن روح،^{۳۰} نایب امام عصر^{۳۱}، شیخ نجم الدین أبو سعید محمد بن حسن بن محمد بن أحمد بن علی بن الصلت قمی^{۳۲} از دانشمندان معاصر شیخ صدوق در بخارا.

حضور شیعه و محدثان شیعی در بخارا سبب شد که در همین دوران حدیث جوی پر سفری همچون أبو مفضل شیبانی^{۳۳} - از راویان پر حدیث شیعه^{۳۴} - را به بخارا فرا خواند.

صُغْد (شهری بین بخارا و سمرقند): یک راوی: أحمد بن محمد بن عبدالله صغدی، استاد مشایخ صدوق.^{۳۵}

سمرقند و کش: ۱۹ راوی. در میان این افراد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی^{۳۶} محدث پر کار شیعی، محمد بن مسعود عیاشی^{۳۷} دانشمند بزرگ شیعه و فرزندش جعفر بن محمد بن مسعود^{۳۸} (ابن العیاشی)^{۳۹} و محمد بن عمر بن عبدالعزیز (ابو عمرو کشی) نویسنده کتاب مشهور الرجال به چشم می‌خورد.

شاش (چاچ): ۵ راوی. بکر بن علی بن محمد بن فضل شاشی حاکم یکی از ایشان است که صدوق از او در همین منطقه روایت مشهور کمیل بن زیاد را شنیده است.

ایلاق: ۷ راوی. شیخ صدوق و ۶ راوی دیگر در منطقه ایلاق را می‌توان از محدثان آن سامان دانست. گفتنی است پنج نفر از ایشان از اساتید صدوق و یک نفر دیگر شاگرد صدوق بوده است. مهم‌ترین فرد در میان مشایخ صدوق جعفر بن علی بن احمد از فقهای قمی است که در ایلاق سکونت گزیده بود.

قَرْغَانَه: ۱۰ راوی. که از میان ایشان هفت نفر، از مشایخ حدیث شیخ صدوق بوده‌اند.

۲۹. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۷۲ - ۴۷۳.

۳۰. همان، ص ۵۱۸ - ۵۱۹.

۳۱. همان، ص ۲ - ۳.

۳۲. رجال النجاشی، ص ۳۵۶، ش ۱۰۵۹.

۳۳. فهرست الطوسی، ص ۴۱۱، ش ۶۱۱.

۳۴. کفایة الاثر، ص ۹۰.

۳۵. رجال الطوسی، ص ۴۲۰.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۳۵۰.

۳۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۳۸. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۹۲.

۳۹. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۳۶.

أخسیکت (أخسیکت) - از توابع فرغانه ۱: راوی. او محمد بن جعفر بندار فقیه^{۴۰} و استاد شیخ صدوق. سده پنجم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده پنجم هجری ۱۲ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۵ راوی.

سمرقند: ۲ راوی.

نسف (نخشب): ۵ راوی. که دو تن از ایشان عبارت‌اند از: آدم بن یونس نسفی،^{۴۱} فقیه و محدث امامیه که شاگرد شیخ طوسی بوده است. همچنین شیخ محمد بن عبدالملک تبان^{۴۲} از عالمان شیعه ساکن در روستای تبان از توابع نسف و از شاگردان سید مرتضی علم‌الهدی (م ۴۳۶ ق).

راویانی که تاریخ حیاتشان کشف نشد

همچنین نام چهار راوی نیز در دست است که محدوده تاریخ حیات ایشان کشف نشد. سه تن از ایشان از اهالی سمرقند بوده و یک تن دیگر از اهالی شاش بوده است. بی‌تردید این افراد پیش از قرن پنجم بوده‌اند؛ چه این که اسامی آنها در کتب رجال سده پنجم آمده است. به عنوان نمونه علیم بن محمد (ابو سلمة بکری شاشی) را نجاشی از نویسندگان و راویانی بر می‌نماید که کتابی با عنوان التوحید در کلام نگاشته بوده است. این کنار با دانشیان شیعی در بغداد ندیده‌اند اما نام آن را نجاشی در کتاب‌های فهرس ملاحظه کرده است.^{۴۳}

ب) جلسات حدیثی

ماوراءالنهر در سده اول هجری، مانند بسیاری دیگر از مناطق اسلامی، فاقد جلسات حدیثی و آثار روایی است. همین‌طور در این مناطق مردم هنوز با مسایل فقهی، کلامی و تاریخی اسلام چندان آشنا نشده‌اند. طبیعی است که تقسیم‌بندی شیعی (علوی) و عثمانی که در آن روزگار در برخی از مناطق مرکزی بلاد اسلامی وجود داشت، هنوز به این مناطق راه نیافته باشد.

تنها شهرهایی که حلقه‌های حدیثی شیعه در سده‌هایی وجود داشته است شهرهای کش، سمرقند، ایلاق، فرغانه و بخارا بوده‌اند. در برخی از این شهرها - مانند سمرقند و کش - این جلسات بسیار گسترده بوده و در برخی دیگر - مانند بخارا - جلسات بسیار محدود و ناچیز بوده است.

بخارا: گزارش‌ها حاکی از برپایی دست‌کم جلسات پنج استاد حدیث و راوی متون شیعی در قرن‌های

۴۰. الخصال، ص ۲۸.

۴۱. فهرست مستجب‌الدین، ص ۶، ش ۳۴.

۴۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۹.

۴۳. همان، ص ۳۰۴، ش ۸۲۹.

چهارم و پنجم هجری در بخارا است. اساتید حدیث در این جلسات عبارت‌اند از: ابراهیم بن محمد بخاری، حسین بن علی بن زکریا،^{۴۴} خلف بن محمد ابن اسماعیل خیام بخاری،^{۴۵} عصمة بن ابی عصمة بخاری^{۴۶} و محمد بن اسماعیل بَرّانی^{۴۷} - ساکن بَرّان آبادی‌ای در حوالی بخارا.

ابراهیم بن محمد به سال ۳۹۷ق^{۴۸} و محمد بن اسماعیل در قرن پنجم،^{۴۹} کتاب مسند الرضا^{۵۰} را برای شاگردان خود قرائت کرده‌اند. ابو مفضل شیبانی - استاد شیخ مفید و حسین بن عبید الله غضائری - که یک راوی پر مسافرت شیعی است و به حق تمام عمرش را در طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده^{۵۱} نقل می‌کند: در چهارشنبه‌ای که همزمان با عاشورا بوده است از حسین بن علی بن زکریا - از محدثان شیعی بخارا - در بخارا روایت نبوی: الاثمة بعدی اثنی عشر... و کلهم من قریش را شنیده و در همان جا نگاشته است.^{۵۲} این مطلب نیز می‌تواند بیانگر جلسات حدیث - هر چند محدود - در بخارا بوده باشد.

سمرقند و کش: جلسات حدیثی متعددی در سده‌های سوم و چهارم هجری در شهرهای سمرقند و کش برپا شده و خوشبختانه بخش‌هایی از متون روایی این جلسات تاکنون باقی مانده است.

سده سوم هجری

در این دوران دانشمندانی چون حسین بن اشکیب مروزی،^{۵۳} جعفر بن أحمد بن ایوب سمرقندی^{۵۴} - از محدثان و متکلمان شیعی^{۵۵} - و جعفر بن معروف سمرقندی^{۵۶} در مناطق سمرقند یا کش جلسات حدیثی دایر کرده‌اند. محمد بن مسعود عیاشی شاگرد هر سه نفر ایشان بوده و روایات و کتب متعدد حدیثی را از ایشان شنیده است.

حسین بن اشکیب مروزی از شخصیت‌های بزرگ شیعه است که، صحیفه را در سمرقند روایت کرده و احادیث بسیاری را به شاگردانش آموخته است. او کثیر الوایه و صاحب تألیفات بسیاری بوده است.

۴۴. کفایة الاثر، ص ۹۰.

۴۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۳، ح ۳.

۴۶. کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۷ - ۸۸.

۴۷. مسند الرضا، ص ۴۴ - ۴۵.

۴۸. همان، ص ۱۹.

۴۹. محمد بن اسماعیل و فرزندش محمود، و نوه‌اش سهل (م ۵۲۴ ق)، هر سه از راویان احادیث امام رضا^{۵۰} در کتاب مسند الرضا^{۵۱} هستند (مسند الرضا، ص ۴۴ - ۴۵).

۵۰. اثر داود بن سلیمان غازی.

۵۱. رجال النجاشی، ص ۳۵۶، ش ۱۰۵۹.

۵۲. کفایة الاثر، ص ۹۰.

۵۳. رجال النجاشی، ص ۴۴ - ۴۵.

۵۴. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۷ - ۱۸.

۵۵. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۵۶. رجال ابن داود، ص ۶۲.

۵۷. أعيان الشیعة، ج ۴، ص ۱۸۷؛ خلاصة الأسماء، ص ۳۳۱.

از جمله شاگردهای وی، محمد بن وارث سمرقندی - از محدثان و راویان کتب حدیث - است.^{۵۸} وی کتاب‌های حدیثی متعددی را روایت کرده است که برخی از آنها از حسین بن اشکیب است که عبارت‌اند از: صحیفه سجادیه،^{۵۹} کتاب الرد علی من زعم أن النبی ﷺ کان علی دین قومه، کتاب الرد علی الزیدیه و کتاب النوادر.^{۶۰}

سده چهارم هجری

در این قرن بیشتری جلسات حدیثی را در سمرقند و کش شاهد هستیم. منزل عیاشی مهم‌ترین مرکز این جلسات و سپس مساجد سمرقند مکه همگی محل تدریس روایات و علوم اهل بیت بوده است. با کلاس‌های درس هفت تن از اساتید این دیار آشنا می‌شویم:

۱. جلسات حدیثی محمد بن مسعود عیاشی: او خانه‌اش را تبدیل به مدرسه کرد.^{۶۱} چنانچه ابوجعفر زاهد گوید: «و کانت داره کالمسجد بین ناسخ أو مقابل أو قارئ أو متعلق ملوءة من الناس». ^{۶۲} و نجاشی در توصیف خانه عیاشی می‌نویسد: کان مرتعا للشیعة و أهل العلم.^{۶۳} گفتنی است که عیاشی با برپایی دو کلاس عمومی و اختصاصی^{۶۴} سعی می‌کرد عوام و خواص شیعه را با آموزه‌های شیعی آشنا سازد. پس از وی گروهی از شاگردانش که دست‌پرورده‌های ویژه او بوده - و به «غلمان عیاشی»^{۶۵} شهره شده بودند - این جلسات را همچنان برپا داشتند. ابو عمرو کشی یکی از آنان است و رجال او بیانگر حضور ده‌ها استاد در منطقه کش و برپایی جلسات متعدد حدیث شیعه در ماوراءالنهر است. در این دوران ده‌ها کتاب حدیث در سمرقند نگاشته شد و یا قرائت آن در این شهر به وقوع پیوست. این جلسات سبب شد تا بسیاری از عالمان شیعی از مراکز علمی آن روز نظیر قم رهسپار سمرقند شوند و از سوی دیگر در این مرکز علمی کلاس‌های متعددی دایر شد که طالبان علم و دانشجویان را به خود جلب می‌کرد.

۲. جلسات حیدر^{۶۶} بن محمد بن نعیم سمرقندی (ابو احمد): او یک محدث پر کار شیعی در قرن چهارم است.^{۶۷} حیدر بن محمد از شاگردان عیاشی است و تمام کتاب‌های او را پس از آن که بر مؤلف قرائت کرده برای روایت کرده است.^{۶۸}

۵۸. رجال النجاشی، ص ۴۴ - ۴۵.

۵۹. الصحیفۃ الثانیة، ص ۱۱، به نقل از صحیفه سجادیه به روایت حسین بن اشکیب، ص ۵۰.

۶۰. رجال النجاشی، ص ۴۴ - ۴۵.

۶۱. رجال ابن داود، ص ۱۸۴، ش ۱۵۰۲.

۶۲. رجال النجاشی، ص ۳۵۰ - ۳۵۲.

۶۳. همان، ص ۳۷۲، ش ۱۰۱۸۵ در معرفی ابو عمرو کشی.

۶۴. رجال الطوسی، ص ۴۴۰.

۶۵. این تعبیری است که طوسی در رجالش برای جمعی از شاگردان عیاشی به کار برده است.

۶۶. او را حیدر زنده نیز گفته‌اند. رک: معالم العلماء، ص ۸۱.

۶۷. رجال الطوسی، ص ۴۲۰. وی راوی کتاب‌های عیاشی و هزار کتاب و اصل از اصول امامیه بوده است.

۶۸. فهرست الطوسی، ص ۱۲۰؛ رجال النجاشی، ص ۳۵۰ - ۳۵۳، ش ۹۴۴. روایت تمام کتاب‌های عیاشی را توسط او دانسته است.

مظفر بن جعفر بن مظفر علوی^{۶۹} (استاد شیخ صدوق) - از اهالی سمرقند - یکی از سه شاگرد مهم اوست، که در نقل کتاب‌های عیاشی به نسل بعد مؤثر بوده است.

۳. جلسات جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی (ابن العیاشی): او فرزند دانشمند بزرگ شیعه محمد بن مسعود عیاشی است. از آنجا که پدرش مؤلف ده‌ها کتاب روایی بود و در ماوراءالنهر بسیار شهرت داشت، عالمان شیعی برای فرا گرفتن این کتب نزد جعفر می‌رفتند و او کتب پدرش را تدریس و روایت می‌کرد. شیخ طوسی می‌نویسد: جعفر تمام کتاب‌های پدر را روایت کرده است و شاگردش أبو مفضل شیبانی توانسته تمام روایات آن کتاب‌ها را از جعفر روایت کند.^{۷۰} جعفر بن محمد بن قولویه^{۷۱} مظفر بن جعفر بن مظفر علوی^{۷۲} و جعفر بن معروف کشی^{۷۳} سه تن دیگر از شاگردان مهم او هستند. احتمالاً آنها نیز به صورت قرائت یا اجازه از وی نقل روایات پدرش کرده‌اند.

۴. جلسه عبدوس بن علی بن عباس جرجانی (أبو محمد): استاد شیخ صدوق (م ۳۸۱ هجری) است. صدوق در سفرش به سمرقند به منزل^{۷۴} وی رفته و در جلسه یا جلساتی از او روایاتی را شنیده است.^{۷۵} در کتاب‌های روایی شیخ صدوق روایات نبوی از وی گزارش شده است.

۵. جلسه عبدالصمد بن عبد الشهید أنصاری (أبو أسد): شیخ صدوق (م ۳۸۱ هجری) در جلسه درس او در سمرقند شرکت کرده است.^{۷۶} صدوق عبارت «رضی الله عنه» را برای وی به کار برده است و برخی از این تعبیر وثاقت وی را برداشت کرده‌اند.^{۷۷}

۶. جلسات ابراهیم بن نصیر کشی: از دانشمندان شیعی، مورد اعتماد و از محدثان پر روایت^{۷۸} شهر کش و نویسنده یک اثر روایی است.^{۷۹} در جلسات درس او ابو عمرو کشی و قاسم بن اسماعیل^{۸۰} شرکت می‌کردند. کشی پنجاه و شش روایت از وی را در کتاب رجالش نقل کرده است.^{۸۱} ابراهیم برادر حمدویه بن نصیر کشی از راویان کم نظیر و پر روایت در کش بوده است.^{۸۲}

۶۹. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷.

۷۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۷۱. التهذیب، الجزء ۴، باب كمية الفطرة، الحديث ۲۳۲.

۷۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۰.

۷۳. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸۱.

۷۴. الخصال، ص ۲۲۰، ح ۴۵.

۷۵. ر.ک: الخصال، ص ۲۲۰، ح ۴۵، ص ۴۲ و ۳۱۵، ح ۹۷؛ نضال الاشرار، ص ۴۷، ح ۴۷ و ۱۳۳، ح ۱۴۲ و ۱۴۳.

۷۶. عیون أخبار الرضا، ص ۱۲، ح ۲۲.

۷۷. طرائف المقال، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷۸. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۳۳.

۷۹. نهرست الطوسی، ص ۴۵، ش ۲۸.

۸۰. همان.

۸۱. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۳۷۶.

۸۲. تهذیب المقال، ج ۱، ص ۳۷۲.

۷. جلسات حمدویه بن نصیر کشی: دانشمند مورد اعتماد شیعی^{۸۳} در کش و از اساتید مشترک عیاشی و کشی است. نامش در اسناد بسیاری از روایات رجال کشی مشاهده می‌شود.^{۸۴}

از آنجا که حمدویه در کش می‌زیسته و کشی نیز تمام عمرش را در آن منطقه سپری کرده و از سوی دیگر به تعبیر طوسی حمدویه فردی «مورد اعتماد، بی‌نظیر در زمان خودش، پر روایت و کثیر العلم» بوده است.^{۸۵} بنابراین طبیعی است که انتقال این روایات به شاگردان یا از طریق جلسات حدیثی بوده و یا نهایتاً به صورت اجازه بوده است.

به نظر می‌رسد در کش و سمرقند جلسات متعدد دیگری نیز وجود داشته که با بررسی‌های بیشتر می‌توان به آنها ظفر یافت. اگر تنها مشایخ کشی در رجالش را برشماریم و بر این باور باشیم که کشی در جلسات درس آن روایات را فرا گرفته است، شمار جلسات حدیثی افزون بر ۵۰ جلسه خواهد شد.

گذشته از این، رجالیان شماری از راویان ساکن کش را کثیرالروایه خوانده‌اند. طبیعی است که بارزترین شیوه انتقال روایت در گذشته جلسات حدیث بوده است. به عنوان نمونه جبریل بن أحمد فاریابی^{۸۶} و علی بن محمد بن فیروزان^{۸۷} از جمله کسانی هستند که افتخار کثیر الروایه بودن را دارند. در توصیف جبریل بن احمد آمده است: کان مقيما بکث کثیر الروایة عن العلماء بالعراق و قم و خراسان. این گزاره می‌تواند بر جلسات او نیز دلالت کند.

ایلاق: در ایلاق جلسات حدیثی متعددی برگزار می‌شده است. این جلسات نوعاً در سده چهارم هجری بوده است. به برخی از مشایخ این جلسات اشاره می‌کنیم:

الف) جعفر بن علی بن أحمد قمی ایلاقی (أبو محمد) جعفر بن علی بن احمد از فقهای قمی است که در ایلاق سکونت گزیده بود. او دانشمندی ثقه^{۸۸} و از مشایخ اجازه^{۸۹} به شمار می‌رفت شیخ طوسی او را معروف به ابن رازی دانسته و در شمار راویان با واسطه از معصومان آورده است.^{۹۰} جعفر بن علی قمی ایلاقی استاد حدیث شیخ صدوق است و صدوق از او با عبارت رضی الله عنه یاد می‌کرد.^{۹۱} در کتاب‌های صدوق به محل تحمل حدیث صدوق از وی اشاره‌ای نشده است، ولی از آنجا که سکونت وی ایلاق بوده و صدوق هم از او روایت کرده است و همچنین خود جعفر نیز صاحب کتاب و در شمار مشایخ اجازه بوده است، احتمال دارد که صدوق به صورت دریافت اجازه، از وی نقل کرده است و در جلسه حدیثی وی حضور نداشته است.

۸۳. رجال الطوسی، ص ۴۲۱، ش ۶۰۷۴

۸۴. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۳۷۶.

۸۵. رجال الطوسی، ص ۴۲۱، ش ۶۰۷۴

۸۶. همان، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲

۸۷. همان، ص ۴۲۹، ش ۶۱۶۴

۸۸. رجال ابن داود، ص ۸۶، ش ۳۱۲.

۸۹. مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۷۲.

۹۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۳۶

۹۱. التوحید، ص ۴۱۷ - ۴۱۸.

ب) جلسات حدیثی مشایخ صدوق: صدوق در مدت اقامتش در جلسات حدیثی گروهی از اساتید ایلاق شرکت کرده و حدیث شنیده است. مذهب این مشایخ چندان روشن نیست؛ هر چند می‌توان گمانه‌هایی را درباره ایشان بررسی کرد. اساتید جلسات حدیث صدوق در ایلاق عبارت‌اند از: شیخ أبو الحسن محمد بن عمرو بن علی بن عبدالله البصری،^{۹۲} شیخ أبو نصر محمد بن حسن بن إبراهیم کرخی کاتب،^{۹۳} شیخ أبو محمد بکر بن علی بن محمد بن فضل حنفی شاشی حاکم،^{۹۴} و شیخ أبو الحسن علی بن عبدالله بن أحمد أسواری.^{۹۵}

ج) جلسات حدیثی شیخ صدوق: ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق حداقل چهار سال متوالی (۳۶۸-۳۷۲ ق) در منطقه ایلاق ماندگار بوده است. در این مدت گذشته از تألیف اثر مهم «کتاب من لا یحضره الفقیه»، جلسات متعددی را نیز برپا کرده است و در جلسات حدیثی برخی از اساتید حدیث آن سامان شرکت کرده است.

عالم برجسته ایلاق و بزرگ سادات علوی یعنی أبو عبدالله محمد بن حسن موسوی معروف به نعمت برای استفاده از شیخ صدوق نزد ایشان آمده است.^{۹۶} أبو عبدالله نعمت دانشمند شیعی مقیم ایلاق، طراح و درخواست‌کننده الشرائع کتاب من لا یحضره الفقیه به شیخ صدوق است. او توانسته بیشتر کتاب‌های صدوق را - که تا آن زمان حدود ۲۴۵ اثر بوده - هم نسخه‌برداری کند و هم از خود مؤلف به طریق سماع، به مطالب کتاب‌ها واقف گردد. در پایان یکی از نسخ خطی کتاب من لا یحضره الفقیه چنین آمده است:

يقول محمد بن علي بن [الحسين بن] موسي بن بابويه القمي مصنف هذا الكتاب: قد سمع السيد الفاضل أبو عبدالله محمد بن الحسن العلوي الموسوي المدني المعروف بنعمة أدام الله تأييده و توفيقه و تسديده هذا الكتاب من أوله إلى آخره بقراءتي عليه، ورويته عن مشايخي المذكورين وذلك بأرض بلخ من ناحية إيلاق، و كتبت بخطي حامدا لله و شاكردا وعلي محمد وآله مصليا و مسلما، آمين يا رب العالمين.^{۹۷}

اتمام این قرائت در تاریخ ذیقعدة سال ۳۷۲ ق در ایلاق بوده است.^{۹۸} فرغانة: در این شهر نیز جلسات متعدد حدیثی برپا بوده است. صدوق در پنج جلسه از این جلسات شرکت کرده است:

۹۲. الخصال، ص ۲۰۸ - ۲۰۹.

۹۳. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۹۴. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۹۲.

۹۵. همان، ص ۲۹۲ - ۲۹۳.

۹۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲ - ۳.

۹۷. همان، ج ۴، ص ۵۳۸ - ۵۳۹.

۹۸. همان.

الف) جلسات مشایخ صدوق: شیخ صدوق در این شهر در جلسات حدیثی این راویان شرکت کرده است: تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی،^{۱۱} شیخ أبو أحمد محمد بن جعفر بشار شافعی فرغانی،^{۱۲} شیخ إسماعیل بن منصور بن أحمد قصارو شیخ أبو محمد محمد بن ابی عبدالله شافعی، محمد بن عبدالله بن محمد بن طیفور دامغانی (أبو جعفر).^{۱۳}

برخی از این جلسات در حومه و یا شهرهای توابع فرغانه بر پا می‌شده به عنوان نمونه محمد بن جعفر بشار فقیه و ساکن اخسیکث بوده^{۱۴} و سماع حدیث صدوق نیز در اخسیکث بوده است.

ب) ابونصر منصور بن محمد حربی، محدث، فاضل، قاضی و حاکم دعاوی در فرغانه بوده است. وی شاگرد ابن عقدة (م ۳۳۳ ق) است و در کوفه از او حدیث شنیده است.^{۱۵} از آنجا که وی کتاب روایی در فضایل امام علی نگاشته و در همان دوران (۱۲ جمادی الاولی سال ۳۷۲ ق)^{۱۶}؛ در فرغانه^{۱۷} استنساخ شده است، احتمال برپایی جلسات تدریس کتاب توسط وی بسیار زیاد است؛ چه اینکه شیوه قدما بیشتر چنین بوده است.



در پژوهش انجام شده روشن شد که بیشترین جلسات حدیثی در سده چهارم و در منطقه سمرقند و کش بوده است. هر چند در سده سوم نیز در گوشه و کنار ماوراءالنهر جلسات برپا بوده است. آنچه روشن است در سده پنجم خبری از جلسات حدیثی نیست. تنها در بخارا - بسیار محدود - جلساتی برپا بوده که در شیعی بودن اساتید آن نیز تردید وجود دارد.

ج) کتاب‌های حدیثی ماوراءالنهر

محدثان و راویان شیعی در محدوده ماوراءالنهر کتاب‌های متعددی نگاشته‌اند شمار آثاری که در این منطقه نگاشته شده نسبت به مراکز حدیثی قم، بغداد و کوفه بسیار کمتر است. اندک بودن این نگارش‌ها به دلایلی چون اندک بودن شیعه و عالمان آنها در این منطقه و همچنین دوری از مراکز علم بوده است. مجاورت با مراکز حدیث عامه (بخارا و نیشابور) و چه بسا مساله تقیه نیز در کاستی نویسندگان بی‌اثر نبوده باشد.

در یک گزارش گذرا می‌توان گفت که در سده دوم هجری در این منطقه هیچ اثر روایی از عالمان شیعی تدوین نشده است. تنها دو تن از شاگردان امام صادق که در بخارا و یا اصالتاً بخارایی بوده‌اند

۹۹. التوحید، ص ۳۵۳.

۱۰۰. الخصال، ص ۲۸، ۵۱، ۳۴۵.

۱۰۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۶۳ ح ۲.

۱۰۲. الخصال، ص ۱۷۷، ح ۲۳۶.

۱۰۳. الیقین، ص ۱۷۰ - ۱۷۲.

۱۰۴. همان، ص ۱۷۰.

۱۰۵. همان.

کتاب‌هایی را نگاشته‌اند. این دو نیز اگرچه افرادی ثقه و مورد توجه شیعه بوده‌اند اما از جهت مذهب سنی بوده‌اند. آثار یکی از این افراد (اسحاق بن بشر أبو حذیفة کاهلی خراسانی^{۱۰۶}) کتاب‌هایی در موضوع تاریخ و اخبار است که عبارت‌اند از: *المتبدل، الرد، صفین، الفتوح، الجمل والألویة*.^{۱۰۷} و از نام کتاب راوی دیگر (یزید بن هارون بن زاذان بن ثابت^{۱۰۸}) نیز اطلاع نداریم.

در سده سوم هجری تنها در محدوده سمرقند پنج مؤلف شیعی حضور داشته‌اند و در دیگر شهرها خبری از نویسندگان شیعی نیست. دو تن از این نویسندگان مشهور به کثرت نگارش هستند، اما حافظه تاریخ حتی اسامی آثار آنها را نیز از خاطر برده است. این دو تن عبارت‌اند از: فتح بن قره سمرقندی^{۱۰۹} و جعفر بن أحمد بن ایوب سمرقندی (ابو سعید)^{۱۱۰}.

تنها نام شش اثر از آثار این پنج نویسنده سمرقندی باقی مانده است. نکته جالبی که در اسامی آثار باقی مانده مشاهده می‌شود، آن است که دو تن از ایشان کتابی با عنوان *کتاب الرد علی من زعم أن النبی ﷺ کان علی دین قومه قبل النبوة*^{۱۱۱} نگاشته‌اند که بیانگر نیاز جامعه و احتمالاً دفع یک شبهه عمومی بوده است. سرآمد نویسندگان این دوران متکلم و محدث مشهور آن سامان حسین بن اشکیب مروزی^{۱۱۲} است. اسامی آثار دیگر این دوره عبارت‌اند از: *کتاب الرد علی الزیدیة، کتاب النوادر*^{۱۱۳} و *کتاب مداواة الجسد لحياة الأبد*.^{۱۱۴} همچنین روایت *صحیفه سجادیه* نیز در همین دوران توسط حسین بن اشکیب انجام شده است.^{۱۱۵}

در سده چهارم هجری یک خیزش عمومی در تمام بلاد اسلامی در زمینه تدوین حدیث به چشم می‌خورد. ماوراءالنهر نیز از این خیزش بی‌بهره نیست. نزدیک به ده نفر از محدثان در این دوره در محدوده ماوراءالنهر قلم به دست گرفته و آثاری را تدوین کرده‌اند.

در این سده در بخارا یک نفر (اسماعیل بن جعفر بن ابی خصفة بخاری، راوی نسخه‌ای کهن از عبید الله بن حر جعفی از امیرالمؤمنین^{۱۱۶})، در ایلاق و فرغانه در هر کدام دو نفر نویسنده و در سمرقند و کش چهار نفر، نویسنده شیعی حضور دارند.

۱۰۶. رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۷۱؛ رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۸۳۳.

۱۰۷. الفائق فی روائه و أصحاب الإمام الصادق، ج ۱، ص ۱۳۴، ش ۱۳۵.

۱۰۸. همان، ج ۳، ص ۴۵۲، ش ۳۶۸۸.

۱۰۹. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۸۴، ش ۶۸۴۴.

۱۱۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۸؛ رجال ابن داود، ص ۶۲.

۱۱۱. رجال النجاشی، ص ۴۴ و ۴۵ و ۱۲۱.

۱۱۲. همان، ص ۴۴ و ۴۵.

۱۱۳. همان، ص ۴۴ - ۴۵.

۱۱۴. نه‌رست الطوسی، ص ۲۷۰.

۱۱۵. افندی می‌نویسد: از نسخه عتیقه‌ای از صحیفه به روایت محمد بن وارث از حسین بن اشکیب و به خط ابن مقله، خطاط نامدار عصر عباسی آگاه شدم... (الصحیفه الثالثه، ص ۱۱، به نقل از صحیفه سجادیه، به روایت حسین بن اشکیب، ص ۵۰).

۱۱۶. رجال النجاشی، ص ۹، ش ۶.

۱. نشاط علمی بسیار مضاعفی در سمرقند و کش وجود داشته، اگرچه نویسندگان زیادی ندارند؛ اما بزرگ‌ترین نویسنده در این دوران - که اصالتاً اهل این حوزه بود - جناب عیاشی است. او با نگارش دویست کتاب^{۱۱۷} و تربیت شاگردان متعدد در این منطقه انقلابی علمی در جهت نشر علوم اهل بیت ایجاد کرد. این فضاهای مثبت سبب شد که صدوق نیز بخشی از عمرش را در این دوران در محدوده ایلاق بگذراند و کتاب من لا یحضره الفقیه را در طول چهار سال در ماوراءالنهر تدوین کند.^{۱۱۸} دو تن دیگر از مؤلفان پر کار ماوراءالنهر در این دوره جعفر بن علی بن احمد قمی ایلاقی^{۱۱۹} (به نقل سید بن طاووس از فهرست کراچکی او از نویسندگان بزرگ ری و قم بوده و دویست و بیست کتاب روایی نگاشته بوده است)^{۱۲۰} و حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی هستند که آثار بسیاری را خلق کرده‌اند. حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی، مؤلف کتاب فهرست آثار عیاشی،^{۱۲۱} و راوی بسیاری از کتاب‌ها و اصول روایی شیعه که بالغ بر هزار کتاب و اصل بوده است.^{۱۲۲}

نویسندگان دیگری نیز در این دوران در منطقه ماوراءالنهر حضور داشته‌اند که چون آثار آنها اندک است، بدان اشاره نشد.^{۱۲۳}

گذشته از روایات بر جا مانده از نویسندگان ماوراءالنهر در جوامع حدیثی، چند اثر روایی نیز خوشبختانه به دست ما رسیده که عبارت‌اند از: تفسیر العیاشی (۲ جلد)، رجال الکشی، کتاب من لا یحضره الفقیه و مجموعه‌ای از آثار جعفر بن علی بن احمد قمی مانند جامع الأحادیث، المسلسلات الأعمال، العروس فی خصائص و آداب الجمعة، کتاب فضل الجمعة، کتاب الغایات، کتاب دفن المیت، المنبی عن زهد النبی ﷺ، کتاب أدب الإمام و المأموم.

به طور کلی در این دوره محدثان این سامان ده‌ها اثر روایی را تدوین کردند که در هیچ دوره‌ای - نه قبل و نه بعد - چنین شکوفایی در تاریخ حدیث این منطقه دیده نمی‌شود. موضوعات این کتاب‌ها اگر چه بسیار متنوع است، اما بیشترین موضوعات در فقه و کلام بوده است.

۱۱۷. ابن ندیم ۱۷۵ کتاب او را نام می‌برد و در پایان می‌نویسد: کتاب‌های او دویست و هشت کتاب است و جمع‌کننده آنها بیست و هفت کتاب را پیدا نکرده است؛ (الفهرست، ص ۲۷۵ - ۲۷۷) نجاشی هم ۱۵۷ کتاب را به او منسوب دانسته (رجال النجاشی، ص ۳۵۱ - ۳۵۲) و شیخ طوسی نوشته است: «له کتب کثیرة تزیید علی مائتی مصنف» و از ۱۸۲ کتاب وی اسم برده است (الفهرست، ص ۱۳۷ - ۱۳۹). محققان این کتاب ۱۹۵ عنوان کتاب را که فهرس‌نگاران به عیاشی نسبت داده‌اند در مقدمه یاد کرده‌اند (تفسیر العیاشی، مقدمه، ص ۴۰ - ۴۵).

۱۱۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴.

۱۱۹. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۲۶؛ أعيان الشیعة، ج ۴، ص ۸۲ - ۸۳.

۱۲۰. أعيان الشیعة، ج ۴، ص ۸۲ - ۸۳.

۱۲۱. الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۵ - ۲۷۷.

۱۲۲. الفهرست، طوسی، ص ۱۲۰.

۱۲۳. به عنوان نمونه نصر بن صباح بلخی - استاد کشی - خود نویسنده چند اثر است که کتاب معرفة الناقلین و کتاب ترقق الشیعه از جمله آثار اوست. (رجال النجاشی، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۹).

در سده پنجم نگارش‌های حدیثی مجدداً رو به افول می‌گذارد. و آثار کمی توسط محدثان شیعی خراسان نگاشته می‌شود. شمار نویسندگان این دوره بالغ بر پنج نفر است. این محدثان برخاسته از سه شهر بخارا،^{۱۲۴} سمرقند^{۱۲۵} و نسف^{۱۲۶} بوده‌اند. یکی از نویسندگان سمرقند در این دوره حسین بن حسن (حسین)^{۱۲۷} بن خلف کاشغری^{۱۲۸} (ابوعبدالله)، (م ۴۸۴) نویسنده بیش از یکصد و بیست اثر بوده است.^{۱۲۹} کتاب *زین العابدین* او بعدها منبع سید ابن طاووس در تألیف *رسالة الموسعة و المضایقة فی قضاء فوائت الصلاة* شد.^{۱۳۰} اسامی چند اثرش چنین است: *کتاب الصلاة و کتاب المناجاة و کتاب الفکر و الصبر*.^{۱۳۱}

د) تأثیرات اهل سنت

حضور پر رنگ اهل سنت در منطقه ماوراءالنهر تأثیرات متعددی بر محدثان شیعه داشته است. این تأثیرات در عرصه‌های مختلفی رخ نموده است: از شیوه‌های نگارش گرفته تا سماع حدیث. گاهی نیز دانشیان شیعی چنان به مبانی علمی اهل سنت مسلط می‌شدند که مانند فقیهان عامه برای اهل سنت فتوا صادر می‌کردند. ابونصر (احمد)^{۱۳۲} بن یحیی فقیه و محدث شیعی سمرقند از جمله کسانی است که مرجع فقهی عامه و خاصه بوده است.^{۱۳۳} برخی از تأثیرات حدیثی عامه را بر محدثان شیعی بر می‌شماریم.

شیوه تألیف

الف) سبک شناسی

محدثان شیعه در این مناطق نگارش‌هایی را شبیه به اهل سنت خلق کرده‌اند. کتاب *رجال الکشی* یکی از این نمونه‌هاست. در این کتاب برای معرفی هر راوی، روایات متعددی در مدح، ذم و گاه هم مدح و هم ذم آورده شده است. منش نویسنده در تمام کتاب پرهیز از اظهار نظر صریح درباره یک راوی است. چینش کتاب نیز به صورت طبقات است.

به نظر می‌رسد محمد بن عمروکشی نویسنده شیعی این اثر در تألیف به سبک طبقات اهل سنت عمل کرده باشد. چه این که شیوه‌کشی با سبک طبقات شیعه که پیش از او برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)، ابن

۱۲۴. *مسند الرضا*، ص ۱۵۹، به نقل از *التدوین*، ج ۲، ص ۱۲۵؛ *فهرست الطوسی*، ص ۲۶۸، ش ۸۲۵.

۱۲۵. *الدریعه*، ج ۱۵، ص ۱۴۴، ش ۹۵۹؛ *أعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۴۷۸.

۱۲۶. *رجال النجاشی*، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۹.

۱۲۷. *المجتبی من دعاء المجتبی*، ص ۸۸.

۱۲۸. کاشغر در خراسان و نزدیک مرز چین بوده است.

۱۲۹. *الأعلام*، ج ۲، ص ۲۴۶.

۱۳۰. *أعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۴۷۸.

۱۳۱. *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۶۵.

۱۳۲. شیخ طوسی می‌نویسد: ابونصر بن یحیی الفقیه من اهل سمرقند، ثقة خیر فاضل کان یفتی العامة بفتیاهم و الحشویة بفتیاهم و الشیعة بفتیاهم (*رجال الطوسی*، ص ۴۵۱، ش ۶۴۰۲).

۱۳۳. *معجم رجال الحديث*، ج ۳، ص ۱۵۹، ش.

عقده (م ۳۳۲ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و اکثر رجالیان کهن شیعی، نگاشته‌اند کاملاً متفاوت است. آنان تنها به تعیین مقطع زمانی راوی اکتفا کرده‌اند، ولی کشی مجموعه‌ای از روایات درباره یک مفرد رجالی را آورده است.

اگر کتاب *رجال الکشی و الطبقات الکبری*، اثر محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق) را با یکدیگر مقایسه کنیم، شباهت‌های بسیاری را در می‌یابیم. نقل روایات، ترتیب زمانی، پرهیز از اظهارنظرها و... از این‌گونه شباهت‌ها هستند.

مطلب آخر این که مشابه سبک *رجال الکشی* در هیچ یک از کتاب‌های رجالی شیعه مشاهده نمی‌شود. چه این که سبک‌هایی همچون فهرست‌نگاری (مانند *الفهرست طوسی و رجال النجاشی*)، طبقات، جرح و تعدیل و... همانند این کتاب نیست. اگرچه این کتاب منبعی برای کتاب‌های رجال بعدی بوده است، اما پیرو هیچ یک از سبک‌های پیشین رجالی نیست.

ب) جهت‌گیری‌های معتدلانه

برداشت‌های غالبانه در این مناطق تقریباً وجود ندارد؛ چه این که اکثریت مردم مناطق ماوراءالنهر اهل سنت بوده و شیعه همواره در اقلیت بوده است. گروه‌هایی که در مناطقی در اقلیت و مخالف اندیشه و نگاه اکثریت هستند، دارای ویژگی‌های متعددی هستند؛ از آن جمله تحفظ شدید بر گروه خود و مشابه‌سازی اندیشه‌های درونی با جهت‌گیری‌های درون گروهی است. عالمان شیعی در این مناطق همواره به دنبال نمایان ساختن اندیشه صحیح شیعه بدون زواید و مواردی است که سبب خرده‌گیری‌های مخالفان گردد. ارائه تفکر شیعی در این مناطق خود دشوار است و یقیناً ارائه یک اندیشه تندرو و غالی‌گرانه محکوم به شکست است.

راویان باید مطلب متقن و مستدل شیعی را بیشتر منتشر سازند تا علاقه‌مندان را بتوانند به راحتی مجاب کنند. اسامی افراد غالی نیز در میان راویان این خطه چندان نمود ندارد.

روایات موجود در کتاب *التفسیر اثر عیاشی* - از مهم‌ترین متون باقی‌مانده از ماوراءالنهر - گویای توجه عالمان آن دیار در جهت‌گیری‌های معتدلانه است. به نظر می‌رسد که مبنای عیاشی این بوده که از بیان روایات تند علیه عامه و یا بعضی از صحابه خودداری کند. شیعه‌ای را که او در سمرقند ترویج کرده یک اندیشه کامل همراه با اعتدال و مدارا با دیگر مذاهب اسلامی بوده است. او در عین حال از مسلمات شیعی یک قدم عقب ننشسته و فقه و اندیشه کلامی شیعه در حقانیت امامت ائمه را به نیکی تبیین کرده است.^{۱۳۴}

هـ) گردآوری روایات عامه

گزارشی در دست است که بیانگر تدوین متونی با استفاده از مجموعه روایات عامه در ماوراءالنهر است. در این گزارش عیاشی تنها با روایات عامه متونی را در تاریخ و سیره خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) نگاشته

۱۳۴. این نکته پس از بررسی تطبیقی بین کتاب *تفسیر العیاشی و تفسیر الفرات* در نمونه‌های متعدد حاصل شده است.

است. درست معلوم نیست که این گونه آثار در جهت وحدت و برای ابراز نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده است و یا اینکه با استفاده از آثار روایی عامه عیاشی با رویکردی متفاوت به نقد روایات عامه پرداخته است. احتمال دیگر - که البته ضعیف است^{۱۳۵} - آن است که این کتاب‌ها را او در روزگار سنی بودنش نگاشته است. شیخ طوسی از این گونه تألیف او این گونه یاد می‌کند:

«و ما صنفه من رواية العامة: كتاب سيرة أبي بكر كتاب سيرة عمر كتاب سيرة عثمان كتاب سيرة معاوية كتاب معيار الأخبار كتاب الموضح»^{۱۳۶}

نظریه پردازی‌ها

در بین شیعه نظریاتی مطرح شده که ریشه در روایات ماوراءالنهر دارد؛ از آن جمله نظریه اصحاب اجماع است. این نظریه توسط کشی در کتاب رجالش مطرح شده است. این اندیشه - که بیانگر ممتاز بودن تنی چند (۱۸ تن) از راویان شیعه است - همواره در سده‌های اخیر مطرح نظر اندیشمندان رجالی و فقها بوده است. صرف‌نظر از برداشت‌های گوناگون از بیان مرحوم کشی، به نظر می‌رسد این اندیشه شبیه به برخی از نظریات اهل سنت بوده باشد. برخی از اساتید بر این باورند که وی اصطلاح «تصحیح ما یصح عنهم» را - در عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم...» که در طلیعه سه گروه موسوم به اصحاب اجماع آورده است - به گونه ای از اصطلاحات عامه تبیین کرده است.^{۱۳۷} مؤید این کلام آن است که مشابه این نظریه در هیچ یک از مباحث فقهی و رجالی پیش و پس از وی نبوده و از سوی دیگر در متون فقهی و حدیثی اهل سنت همانند کتاب موطا مالک نظیر عبارت کشی دیده می‌شود.

شرکت در جلسات حدیث

بسیاری از راویان شیعه در جلسات حدیثی اهل سنت در ماوراءالنهر شرکت می‌جستند. ماوراءالنهر به خاطر حضور پر رنگ دانشمندان بزرگ سنی به منطقه‌ای علمی و معتبر مشهور شده بود؛ به گونه‌ای که سماع حدیث در این منطقه نشانگر ارزش علمی راوی بوده است. از این رو، عبارت «سمعت بماوراءالنهر» از عبارات ویژه «تدلیس» در احادیث اهل سنت بوده است. شاید به همین جهت، گاهی شیعیان برای آگاهی از اندیشه‌های عالمان آن دیار به این شهرها مهاجرت می‌کردند. اما هیچ‌گاه برای شیعه این منطقه دارای اهمیت علمی نبوده است. تنها در قرن چهارم سمرقند و کش پذیرای خیل عظیم شیعیان علاقه‌مند به حدیث شیعه بوده است.

آنچه برای شیعیان به صورت یک قانون نانوشته وجود داشته است، این بوده که شرکت ایشان در جلسات حدیث سنیان دارای قواعدی بوده است:

نخست، این که معمولاً در جلسات حدیثی عالمان متعصب، تندرو و بزرگ عامه شرکت نمی‌کردند.

۱۳۵. چرا که او در همان سنین نوجوانی شیعه شده است.

۱۳۶. الفهرست.

۱۳۷. آیه الله سید احمد مددی، در مباحثات علمی درس خارج.

و دوم، این که کلاس‌های حدیثی عالمانی را بر می‌گزیدند که یا تمایلاتی به شیعه داشتند و یا این که راوی احادیث ولایت و یا فضایل اهل بیت بوده‌اند.

سومین مطلبی را که شیعه رعایت می‌کرد، این بود که معمولاً روایات فقهی و کلامی را از راویان سنی روایت نمی‌کردند. بلکه بیشتر روایات اخلاقی و یا فضایل را تمایل به نقل داشتند.

نمونه: شیخ صدوق که سال‌ها در ماوراءالنهر و منطقه خراسان حضور داشته است و معمولاً در نقل روایات اندکی متسامح است، هیچ‌گاه از عالمان مشهور و بزرگ سنی - که معاصرش بوده‌اند - روایت نکرده است. او اگر چه از راویان عامه آن دیار بسیار نقل کرده، ولی در بین اساتیدش کمتر - و یا تقریباً هیچ - راوی مشهور سنی دیده نمی‌شود. به طور طبیعی او می‌توانسته از راویان بزرگ سنی عصرش، همچون: ابن حبان (م ۳۵۴ ق)، طبرانی (م ۳۶۰ ق)، عبدالله بن عدی (م ۳۶۵ ق) و دارقطنی (م ۳۸۵ ق) روایت کند، ولی نام هیچ یک از ایشان در متون روایی او دیده نمی‌شود. این حساسیت شیعه، شاید به خاطر پاسداری از کیان و هویت شیعی بوده باشد.

همچنین موضوع بیشتر روایات صدوق - که از سنیان گزارش کرده است - مسائل اخلاقی و یا فضایل است. البته گاهی روایات تاریخی را نیز نقل کرده است.

برخی از عالمان سنی ماوراءالنهر - که شیعه از روایات ایشان بهره برده است - عبارت‌اند از: ابوعلی صالح بن محمد بغدادی (محدث اهل سنت در نیمه دوم سده سوم هجری)^{۱۳۸}، مقیم بخارا،^{۱۳۹} أحمد بن سهل (ابونصر) فقیه بخارا و راوی روایت ثقلین،^{۱۴۰} عبدالله بن صالح بخاری (م ۳۰۵ ق).^{۱۴۱}

حفظ آثار روایی امام رضا

توجه ویژه راویان سنی به روایات امام رضا^ع از مهم‌ترین نکات عالمیان سنی این منطقه است. شاید همین توجه بوده که امروزه روایات امام رضا در بین متون عامه بیش از روایات دیگر امامان - غیر از روایات امام علی - است. این توجه اهل سنت خراسان سبب شد که پاره‌ای از متون مربوط به روایات این امام بزرگوار توسط ایشان حفظ گردد.

یکی از متون مهم که تا امروز حفظ شده است کتاب *مسند الرضا* است. بسیاری از راویان این کتاب سنیان منطقه خراسان بوده‌اند. و ظاهراً مدت‌ها این کتاب در بخارا تدریس می‌شده است؛ به عنوان نمونه نور الدین حمزه خدایادی از راویان و دانشمندان سده پنجم و ششم هجری در بخارا^{۱۴۲} یکی از راویان کتاب *مسند الرضا* است.

جالب اینجاست که یکی از سه نسخه کتاب *مسند الرضا* نیز مشهور به نسخه بخاری است که در بخارا بوده است. این نسخه در قرن‌های سوم، چهارم و پنجم در بخارا شناخته شده بوده است؛ چه این که

۱۳۸. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۲۲ - ۳۲۳، ش ۴۸۶۲.

۱۳۹. که شیخ صدوق در *الخصال* روایات متعددی را به واسطه محمد بن جعفر بندار از وی گزارش کرده است.

۱۴۰. *المناقب*، خوارزمی، ص ۱۵۴ - ۱۵۵، ح ۱۸۲.

۱۴۱. ر.ک: *الخصال*، ص ۲۱۰، ح ۳۴.

۱۴۲. *الانساب*، ج ۲، ص ۳۲۹؛ *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۳۲۹.

حافظ عبدالغافر فارسی (م ۵۲۹ ق) در *متخب السیاق* خبر از نسخه‌ای از کتاب *صحیفه الرضا* در قرن سوم می‌دهد که افرادی به نام‌های ابراهیم بخاری و ابن مهرویه راوی آن هستند. علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) این نسخه را در اختیار داشته است.^{۱۴۳} همچنین راویان بخارایی؛ همچون محمد بن اسماعیل برانی^{۱۴۴} و فرزندش محمود، و نوه‌اش سهل، هر سه از راویان احادیث امام رضا^ع در کتاب *مسند الرضا*^ع هستند.^{۱۴۵}

غلو در راویان

در میان راویان شیعی ماوراءالنهر خط غلو کمتر دیده می‌شود. نوع عالمان این دیار به دنبال معرفی صحیح و بی‌پیرایه شیعه به شیعیان و سنیان متمایل به شیعه بوده‌اند. تنها در معرفی سه تن از راویان این دیار عباراتی آمده که بیانگر اندیشه غلو است که آنها عبارت‌اند از:

الف) ابوالفضل جعفر بن معروف سمرقندی (استاد عیاشی). گفته شده که جعفر بن معروف^{۱۴۶} در اعتقاداتش از راه اعتدال خارج و راه غلو را برگزیده بود. بر این اساس، در روایات احادیث صحیح و هم احادیث ناسالم دیده می‌شود.^{۱۴۷} لذا گروهی در نقل روایت از وی توقف کرده‌اند.^{۱۴۸}

ب) عبدالرحمن بن أحمد بن نهیک سمرقندی. ملقب به «دحمان» یا «بدحان». ^{۱۴۹} اصالتاً از خاندان آل نهیک کوفه است. عبدالرحمن یک راوی شیعی است.^{۱۵۰} که احادیثش مشکل داشته^{۱۵۱} و رجالیان در نقل احادیث وی احتیاط می‌کنند.^{۱۵۲} و به نظر می‌رسد که غالی بوده است.^{۱۵۳} او کتابی را با عنوان «نوادیر» نگاشته است که در اختیار حسین بن عبیدالله غضائری بوده است.^{۱۵۴} باید توجه داشت که این راوی نیز حتی اگر در سمرقند بوده است، ولی اصالتاً کوفی بوده است و در کوفه نیز وجود عقاید غالبانه اعجاب‌انگیز نیست.

ج) نصر بن صباح. مشهور به ابوالقاسم بلخی - استاد کنسی - است. نجاشی او را «غال المذهب» خوانده است.^{۱۵۵}

۱۴۳. *مسند الرضا*، ص ۳۹ و ۴۰.

۱۴۴. بزآن آبادی‌ای در حوالی بخارا است.

۱۴۵. *مسند الرضا*، ص ۴۴ - ۴۵.

۱۴۶. گفتنی است که وی با جعفر بن معروف ساکن در کش متفاوت است؛ چه این که کنیه او ابومحمد است و وی ابوالفضل.

۱۴۷. *رجال ابن غضائری*، ج ۲، ص ۴۵؛ *رجال ابن داود*، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

۱۴۸. *أعيان الشيعة*، ج ۴، ص ۱۸۷؛ *خلاصة الأتوال*، ص ۳۳۱.

۱۴۹. *رجال ابن داود*، ص ۲۵۶؛ *إيضاح الاشتباه*، ص ۲۰.

۱۵۰. *رجال النجاشی*، ص ۲۳۶.

۱۵۱. *رجال ابن داود*، ص ۲۵۶.

۱۵۲. *رجال النجاشی*، ص ۲۳۶.

۱۵۳. *رجال ابن غضائری*، ج ۴، ص ۷۴.

۱۵۴. *رجال النجاشی*، ص ۲۳۶.

۱۵۵. همان، ص ۴۲۸.

گذشته از این سه نفر، روایات عباس بن عبدالله بخاری (که شیخ صدوق با سه واسطه از وی روایت کرده است)^{۱۵۶} نیز تا حدودی رنگ و بوی غلو دارد.

ه) ارتباط حوزه حدیثی ماوراءالنهر با دیگر حوزه‌های حدیثی محدثان ماوراءالنهر در دورترین نقاط شرق بلاد اسلامی زندگی می‌کردند. طبیعی است که ارتباط آنان با دیگر مراکز حدیثی شیعه به کندی و به ندرت انجام می‌گرفت؛ چه این که فاصله مکانی سمرقند - مرکز حدیث ماوراءالنهر - تا قم بیش از هزار کیلومتر و تا بغداد حدوداً بیش از دو هزار کیلومتر بوده است. طی کردن این مسافت‌ها با وسایل مسافرتی آن روزگار، بسیار دشوار می‌نمایاند.

محدثان ماوراءالنهر برای سفر به قم و بغداد انگیزه تحصیلی داشته‌اند، ولی بعید به نظر می‌رسد که عالمان بغداد و قم چندان علاقه‌ای برای سفر علمی به ماوراءالنهر داشته باشند؛ چه این که آنان در مرکز علوم بوده و بی‌تردید، دسترسی محدثان قم، کوفه و بغداد به محدثان برجسته و راویان پیشین و کتاب‌های اولیه به مراتب بیش از ماوراءالنهر بوده است؛ چراکه بیشتر راویان شیعه در کوفه، قم و بغداد می‌زیستند و این مراکز دارای کتابخانه‌های مجهزی بوده‌اند.

از سوی دیگر، در سده‌های سوم تا چهارم در ماوراءالنهر بسیاری محدثان حضور داشته‌اند. از آنجا که به طور طبیعی مراکز حدیثی با یکدیگر ارتباطاتی داشته‌اند، ماوراءالنهر چگونه ارتباط خود را با مدارس حدیثی دیگر حفظ کرده است؟

فرض نخست، آن است که برخی از محدثان این سامان به قم یا بغداد رفته و ادامه تحصیل داده باشند. فرض دیگر مهاجرت برخی از عالمان دیگر مراکز و سکونت ایشان در ماوراءالنهر است و فرض آخر اینکه گروهی از عالمان شیعی کوفه، قم و بغداد برای استفاده از عالمان این سامان رنج سفر کشیده و به این خط سفر کنند. اکنون این فرضیان را در صفحات تاریخ حدیث بررسی می‌کنیم:

الف) سفر تحصیلی حدیث‌پژوهان ماوراءالنهر به مراکز حدیثی

اول. سفر به مدینه: در سده دوم هجری، حدیث‌پژوهان ماوراءالنهر بیشتر سنی بوده‌اند. گفتنی است که در این دوران تنها مراکز حدیثی شیعه، در مدینه و کوفه دایر بوده است. از میان راویان این خطه سه نفر شاگرد امام صادق^ع بوده که برای کسب علم راهی مدینه شده بودند.

این افراد عبارت‌اند از: أبو حذیفه إسحاق بن بشر کاهلی خراسانی (م ۲۰۶ ق)،^{۱۵۷} أبو عبدالله محمد بن فضل بن عطیه بن عمر بن خالد خراسانی (م ۱۸۰ ق)، مروزی الأصل، بخاری،^{۱۵۸} أبو خالد یزید بن هارون بن زاذان بن ثابت واسطی (م ۲۰۶ یا ۲۰۸ ق)،^{۱۵۹} هر سه راوی و شاگرد امام صادق^ع در مدینه بوده‌اند و دو نفر اول به خراسان بازگشته و تا پایان عمر در ماوراءالنهر ماندگار شده‌اند.

۱۵۶. علی الشرائع، ج ۱، ص ۵، ح ۱؛ حین اخبار الرضا^ع، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۹، ۲۲.

۱۵۷. رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۷۱؛ رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۸۳۳.

۱۵۸. رجال الطوسی، ص ۲۹۷.

۱۵۹. الفائق فی روائه وأصحاب الإمام الصادق^ع، ج ۳، ص ۴۵۳، ش ۳۶۸۸.

دوم. سفر به کوفه: یک راوی سخت‌کوش در قرن چهارم از این خطه برای سفر به کوفه تلاش کرده است و او محدث پرآوازه شیعه محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی است. نجاشی درباره او می‌نویسد:

و كان حديث السن سمع أصحاب علي بن الحسن بن فضال و عبدالله بن محمد بن خالد الطيالسي و جماعة بن شيوخ الكوفيين و البغداديين و القميين.^{۱۶۰}

این گزارش گویای سفر وی به قم، کوفه و بغداد است. و ظاهراً بخش مهمی از تحصیلاتش را در کوفه گذرانده است؛ چه این که او را از اصحاب ابن فضال کوفی و محمد بن خالد طيالسی کوفی برشمرده است.

سوم. سفر به قم: در قرن سوم و چهارم، قم به عنوان یکی از مراکز حدیثی شیعه شاهد رفت و آمدهای محدثان بوده است. اگرچه تاریخ، تمام این سفرها را ثبت نکرده است؛ اما از چگونگی تحمل حدیث و نقل‌های شاگردان از اساتید قمی می‌توان به سفرهای آنان تا حدودی پی برد. دانشیانی که به قم سفر کرده‌اند، عبارت‌اند از: إبراهیم وراق سمرقندی (استاد کشی و شاگرد علی بن محمد قمی)،^{۱۶۱} حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی (استاد در سال ۳۴۰ ق،^{۱۶۲} و شاگرد دانشمندان بزرگ قم، محمد بن حسن بن أحمد بن ولید قمی، و حسین بن أحمد بن إدريس قمی، و جعفر بن محمد بن قولویه قمی)،^{۱۶۳} محمد بن مسعود عیاشی (بنا به گزارش پیشین نجاشی)^{۱۶۴} و محمد بن وارث سمرقندی (شاگرد حسن (حسین) بن علی قمی).^{۱۶۵}

چهارم. سفر به بغداد: گذشته از محمد بن مسعود عیاشی که بیانش گذشت؛ در زندگی‌نامه علمی دو تن از راویان ماوراءالنهر، سفر به بغداد دیده می‌شود که عبارت‌اند از: جعفر بن معروف کشی (راوی، وکیل،^{۱۶۶} عابد^{۱۶۷} و شاگرد محمد بن حسین بن ابی الخطاب - از اصحاب امام جواد و بزرگان شیعه - و محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین^{۱۶۸} در بغداد) و أبوبکر محمد بن خالد بن حسن بخاری.^{۱۶۹}

۱۶۰. رجال النجاشی، ص ۳۵۰، ش ۹۴۴.

۱۶۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۴۸۱.

۱۶۲. تلخیصی از او در این سال حدیث شنیده است. (رجال الطوسی، ص ۴۲۰).

۱۶۳. همان.

۱۶۴. رجال النجاشی، ص ۳۵۰، ش ۹۴۴.

۱۶۵. همان، ص ۴۴، ش ۸۷.

۱۶۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۱۶۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۸، ش ۵۵۴. به نقل از رجال علی بن حکم (از عالمان شیعی).

۱۶۸. رجال الکشی، ص ۵۳۸.

۱۶۹. هیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۱.

(ب) سفر حدیث پژوهان مراکز حدیثی به ماوراءالنهر

مهاجرت و سکونت

۱. ابو عبد الله حسین بن ایشکیب: او اصالتاً قمی و از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیه السلام است.^{۱۷۰} دانشمندی بلند آوازه و مؤلفی سترگ بوده^{۱۷۱} و از قم مهاجرت کرده و در محدوده کش و سمرقند ساکن شده است. از این رو، وی را از اساتید و راویان بزرگ حدیث در خراسان شمرده اند. محمد بن مسعود عیاشی^{۱۷۲} و محمد بن وارث افتخار شاگردی او را دارند و از وی بسیار حدیث نقل کرده اند.^{۱۷۳}

۲. شیخ نجم الدین ابو سعید محمد بن حسن بن محمد بن احمد بن علی بن الصلت قمی از دانشمندان معاصر شیخ صدوق در بخارا بوده است. او اصالتاً قمی بوده، ولی به بخارا مهاجرت و در آن دیار ساکن می شود. صدوق او را این گونه توصیف می کند:

... استادی قمی است از اهل فضل و علم و خرد. من مدت ها بود که آرزومند ملاقات او و مشتاق زیارتش بودم؛ چه این که او فردی متدین و استوار اندیشه و درست منش بود... پدرم شاگرد جد او محمد بن احمد بن علی بن الصلت - قدس الله روحه - بود و علم و عمل و زهد و فضل و عبادت او را می ستود. و احمد بن محمد بن عیسی - با آن فضل و جلالش از ابوطالب عبدالله بن صلت قمی - رضی الله عنه - روایت می کرد... و آن گاه، خداوند توفیق ملاقات این شیخ [شیخ نجم الدین ابو سعید محمد بن حسن] را - که از این خاندان جلیل است - به من عنایت کرد. خدا را به خاطر این نعمت شکر گزاردم.^{۱۷۴}

صدوق پس از زیارت امام رضا در نیشابور اقامت می گیرند و شیخ نجم الدین برای ملاقات او به آنجا می آید.^{۱۷۵}

۳. ابو محمد جعفر بن علی بن احمد قمی ایلاقی، از فقهای قمی ساکن ایلاق است. او دانشمندی ثقه^{۱۷۶} و از مشایخ اجازه^{۱۷۷} به شمار می رفت؛ شیخ طوسی او را معروف به ابن رازی دانسته و در شمار راویان با واسطه از معصومان آورده است.^{۱۷۸} جعفر بن علی قمی ایلاقی استاد حدیث شیخ صدوق^{۱۷۹} و از نویسندگان بزرگ ری و قم بوده است.^{۱۸۰}

۱۷۰. رجال الطوسی، ص ۳۹۸ و ص ۴۲۰ و.

۱۷۱. رجال النجاشی، ص ۴۴ - ۴۵.

۱۷۲. رک: اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۵ - ۹۸ و ۲۰۲ - ۲۰۳ و ۳۳۶ و ۴۰۰؛ و ج ۲، ص ۴۳۰ - ۴۳۴.

۱۷۳. رجال النجاشی، ص ۴۴ - ۴۵.

۱۷۴. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲ - ۳.

۱۷۵. همان.

۱۷۶. رجال ابن داود، ص ۸۶ ش ۳۱۲.

۱۷۷. مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۷۲.

۱۷۸. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۲۶.

۱۷۹. التوحید، ص ۴۱۷ - ۴۱۸.

۱۸۰. آمیان الشیعة، ج ۴، ص ۸۲ - ۸۳.

۴. محمد بن حسن (حسین^{۱۸۱}) بن إسحاق علوی معروف به شریف الدین ابو عبدالله نعمت از عالمان جلیل القدر و پرهیزکار^{۱۸۲} شیعه در منطقه ایلاق و پیشنهاددهنده کتاب من لا یحضر الفقیه است. او اصالتاً عرب و اهل مدینه^{۱۸۳} است که منطقه ایلاق را برای سکونت بر می‌گزیند.

۵. أبو عبدالله کوفی^{۱۸۴} علوی^{۱۸۵} (م ۳۳۹ ق)، وی در طبقه اساتید اساتید صدوق بوده است.^{۱۸۶} او در فرغانه زندگی می‌کرده و به فقیه آن دیار شهرت داشته است.^{۱۸۷} وی نیز اصالتاً عرب بوده و از حجاز به آن سامان آمده بود. خطیب بغدادی در توصیف او می‌نویسد:

کان احد وجوه بني هاشم و عظمائهم و صلحائهم و کان من شهود للحاکم و کان ورعاً خيراً
فاضلاً فقیهاً ثقة صدوقاً.^{۱۸۸}

عمر علی بن محمد بن فیروزان قمی. او یک راوی شیعی و کثیر الروایة است. اگرچه اصالتاً قمی است، ولی در کش مقیم بوده است.^{۱۸۹}

سفر حدیثی و بازگشت به موطن

۱. حسین بن علی بن محمد قمی، معروف به أبو علی بغدادی استاد شیخ صدوق است و از کسانی است که خدمت حسین بن روح نایب امام عصر^{۱۹۰} رسیده است.^{۱۹۱} او ساکن بغداد بود و برای مدتی به بخارا - احتمالاً برای اخذ حدیث - سفر کرد و سپس به بغداد بازگشت.^{۱۹۲} شیعیان بخارا وی را وکیل خود در رساندن وجوهات به نایب امام عصر کرده‌اند.^{۱۹۳}

۲. علی بن محمد بن عبدالله قزوینی: او مشهور به قاضی ابوالحسن قزوینی است. وی نخستین فردی است که میراث حدیثی بزرگ‌ترین راوی و محدث خراسان، یعنی جناب محمد بن مسعود عیاشی را به بغداد منتقل می‌کند. این انتقال در سال ۳۵۶ ق، رخ داده است.^{۱۹۴}

۳. ابو جعفر محمد بن علی قمی، معروف به شیخ صدوق مدتی از عمر خود را در ماوراءالنهر و خراسان گذرانده است. حضور پر برکت صدوق در این منطقه و سکونت موقتی وی - حدود ۴ سال - منجر به

۱۸۱. همان، ج ۲، ص ۳۸۰، ش ۳۴۲۰.

۱۸۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴.

۱۸۳. همان، ج ۴، ص ۵۳۸ - ۵۳۹.

۱۸۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۶۶ ح ۲.

۱۸۵. معانی الاخبار، ص ۱۰۴، ح ۱.

۱۸۶. علل الشرائع، ج ۱، ص ۶۶ ح ۲.

۱۸۷. همان.

۱۸۸. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۷، ش ۴۰۴۰.

۱۸۹. رجال الطوسی، ص ۴۳۹، ش ۶۱۶۴.

۱۹۰. کمال الدین و تمام النعمة، الشیخ الصدوق، ص ۵۱۸ - ۵۱۹، ح ۴۷.

۱۹۱. همان.

۱۹۲. همان.

۱۹۳. رجال التجاشی، ص ۲۶۷، ش ۶۹۳.

تألیف کتاب من لا یحضره الفقیه گردید. شاید سفرهای متعدد وی به خراسان و سکونت‌های کوتاه و بلند او سبب شده که رجالیان او را سرشناس طائفه امامیه در خراسان بدانند.^{۱۹۴}

شیخ صدوق در سفر سوم خود به خراسان، پس از زیارت امام رضا^ع در روز سه شنبه هفدهم شعبان سال ۳۶۸ ق، پس از املاي احادیث جلسه نود و چهارم کتاب^۱ الامالی، شهر مشهد را به قصد سفر به دیار ماوراءالنهر ترک کرد. صدوق به بلخ و سه شهر اصلی ماوراءالنهر، یعنی ایلاق، سمرقند و فرغانه رفت. احتمالاً شیخ پس از طی مسافت طولانی و گذر از شهرهای مرو رود و فاریاب به بلخ رفته و پس از حضور در این شهر و دست کم استفاده از هفت استاد حدیث، از رود پر تلاطم و بزرگ جیحون (یا آمویه) گذشته و به سرزمین سر سبز ماوراءالنهر وارد شده است. سمرقند نزدیک‌ترین شهر بزرگ در این مناطق به بلخ است و شیخ باید نخست، به سمرقند رفته باشد و پس از آن به ایلاق و آن گاه، به فرغانه دورترین منطقه در ماوراءالنهر.

۴. ابو مفضل محمد بن علی شیبانی: او یکی از افراد مهم در انتقال میراث مکتوب و غیر مکتوب حدیث امامیه از ماوراءالنهر به بغداد بوده است. شیبانی با نقل روایات راویان بخارا^{۱۹۵} و همچنین کسب اجازه روایت کتاب‌های محمد بن مسعود عیاشی از فرزندش جعفر^{۱۹۶} توانست تراث حدیث شیعه را از خاور به بغداد به ارمغان آورد.

۵. جعفر بن محمد بن قولویه قمی: وی نیز با سفر به خراسان و ماوراءالنهر توانست به عنوان حلقه ارتباطی حوزه حدیث ماوراءالنهر و مدرسه بغداد نقش ایفا کند. از مهم‌ترین اساتید وی در این سفر جناب عمر بن عبدالعزیز کشی بوده است. با توجه به عدم خروج کشی از خراسان، به نظر می‌رسد که ابن قولویه به خراسان رفته باشد. نقل کتب روایی کشی (رجال الکشی)^{۱۹۷} حسین بن اشکیب مروزی^{۱۹۸} جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی^{۱۹۹} و نصر بن صباح بلخی^{۲۰۰} حاصل این سفر است. همچنین وی شاگرد جعفر فرزند عیاشی^{۲۰۱} نیز بوده است.

از آنچه گذشت، به خوبی می‌توان دریافت که روزگاری نه چندان دور آفتاب حدیث شیعه در بسیاری از مناطق ماوراءالنهر درخشان می‌تابید و شهرهای گوناگون آن دیار از این درخشش بر خود می‌بالیدند. هر چند این تالووها چندان پایدار نبود، اما فروغ آن همواره و تا به امروز پایدار ماند؛ چه این که این خطه ارزشمند، نزدیک به چند قرن محدثان و راویانی را در خود جای دارد و راه احادیث بسیاری را به آن گشود و کتاب‌هایی را مدون ساخت که تا امروز نیز برکات تلاش محدثان ماوراءالنهری همچنان زینده حدیث

۱۹۴. همان، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.

۱۹۵. کفایة الاثر، ص ۹۰.

۱۹۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۱۹۷. رجال النجاشی، ص ۳۷۲، ش ۱۰۱۸.

۱۹۸. همان، ص ۴۴، ش ۸۸.

۱۹۹. همان، ص ۱۲۱، ش ۳۱۰.

۲۰۰. همان، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۹.

۲۰۱. همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۲: التهذیب، الجزء ۴، باب کمية الفطرة، الحديث ۲۳۲.

شیعه است. بی‌تردید، اگر اصرار محدثان شیعی آن دیار نبود، بخشی از آثار - همچون کتاب فخیم من لا یحضره الفقیه - خلق نمی‌شد و روایات عیاشی‌ها و کشی‌ها و ابن اشکیب‌ها ماندگار نمی‌گشت.

آنچه در این نوشتار ارائه شد، دورنمایی از سرنوشت حدیث شیعه در ماوراءالنهر تا پایان سده پنجم هجری بود. به خوبی نمایان شد که ماوراءالنهر در سده سوم و چهارم تمام شاخصه‌های یک حوزه حدیثی را داشته است. حضور حداقل نود و هفت راوی در این دو قرن در شهرهای مختلف این دیار از سویی و تألیفاتی افزون بر چهارصد اثر در سده چهارم، برپایی ده‌ها جلسه سماع و قرائت حدیث و ارتباط فعال و دو سویه با مراکز حدیثی آن روزگار - به ویژه قم - همگی نشانگر آن است که ماوراءالنهر یک حوزه حدیثی فعال در تاریخ حدیث شیعه بوده و چه بسا به عنوان یک مدرسه و مکتب حدیثی نیز شناخته می‌شده است. متأسفانه آثار بسیار کمی از محدثان آن دیار باقی مانده است و اگر این آثار قابل توجه بود، می‌توانستیم با بررسی آنها به اندیشه‌های حدیثی و چه بسا مکتب‌گونه و اختصاصی آن خطه نیز پی ببریم. شاید همین رونق زاید الوصف این منطقه در سده چهارم بود که سبب حضور چهار ساله شیخ صدوق در ایلاق و بستری مناسب برای تدوین کتاب من لا یحضره الفقیه شد.

به هر تقدیر، دو شهر سمرقند و کش در دو سده یاد شده منشأ تحولات عظیمی در شرق بلاد اسلامی شدند و بزرگ دانشمندی چون عیاشی با جهاد علمی خود خدمت پر برکتی را به جامعه حدیثی شیعه روا داشت.

اگرچه نگارنده این سطور زندگی‌نامه تمام راویان کل خراسان قدیم، آثار ایشان، جلسات حدیثی و دیگر شاخصه‌های حدیثی آن سامان را برای انتشار در کتابی مستقل به طور مفصل گردآورده است، ولی بر این باور است که بازخوانی تلاش‌های حدیثی شیعه در خراسان نیازمند بررسی‌ها و مطالعات گسترده‌ای است که این نوشتارها تنها بسان درآمدی بر شروع یک پژوهش بنیادی در بازشناسی حدیث شیعه در خراسان قدیم است؛ چه این که بایسته است پژوهشگران برای ده‌ها سؤال درباره خراسان پاسخی در خور بیابند. چرایی باقی نماندن صدها کتاب حدیث شیعی در ماوراءالنهر و چرایی رو به افول نهادن یک باره حوزه حدیث سمرقند در قرن پنجم از این‌گونه پرسش‌ها است که می‌تواند هر یک موضوعی برای پژوهش‌های مستقل باشد.

بازخوانی تاریخ سیاسی ماوراءالنهر بی‌تردید می‌تواند پاسخ بخشی از این سوالات را بر نمایان در دوره حکومت‌های سامانیان (۲۶۰-۳۸۹ق)، و پس از آنان قراخانیان (۳۸۹-۶۰۹ق) در بخش‌هایی از این مناطق به آسودگی و امنیت می‌زیستند. اما با ظهور حکومت‌های متعصب غزنویان (۳۹۰-۵۴۵ق) و ترکان سلجوقی (۴۵۵-۵۳۳ق) بسیاری از شیعیان هجرت از این منطقه را بر حضور ترجیح دادند. در دوره سامانیان شیعیان از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند؛ به عنوان نمونه، امیر اسماعیل، املاک را برای آنان وقف کرد که از پرداخت مخارج معاف بود. حتی نصر بن احمد و گروهی از درباریان و دیوانیان او به دعوت شیعه اسماعیلی پیوسته بودند.^{۲۰۲}

در زمان قراخانیان نیز اوضاع شیعه مساعد بود. برخی از مستشرقان (پریستاک و مادلونگ) بر این باورند نفوذ تشیع این مناطق فراتر از ماوراء النهر بوده است و حداقل در میان یکی از شاخه‌های قراخانیان، امام علی^{۲۰۳} و علویان مورد احترام بودند. آنان تکرار نام‌های علی، حسن و حسین در میان قراخانیان را نشانه‌ی علی دوستی آنان شمرده‌اند.^{۲۰۴}

از سوی دیگر، درگیری‌های نظامی گسترده از میانه سده چهارم به بعد - که سبب افول حکومت سامانی شد - و همچنین تلاش‌های نظامی قراخانیان و تحرکات سبکتگین، و جنگ‌های داخلی این سه حکومت^{۲۰۴} همگی در مهاجرت دانشیان شیعه از این مناطق به مغرب زمین و دیگر نواحی بلاد اسلامی موثر بوده است.

جدول پراکندگی جغرافیایی محدثان و مؤلفان شیعی در آسیای میانه کهن

| سده‌های هجری | تعداد محدثان | تعداد نویسندگان | تعداد کتاب‌ها و آثار | توضیح |
|----------------|---|-----------------|----------------------|---|
| سده اول هجری | ۵ نفر؛ بخارا ۴ نفر سمرقند ۱ نفر | - | - | - |
| سده دوم هجری | ۹ نفر؛ بخارا ۷ نفر فرغانه ۱ نفر نسف ۱ نفر | ۲ مؤلف | ۷ اثر | - |
| سده سوم هجری | ۳۲ نفر؛ سمرقند و کش ۳۳ نفر دیگر شهرها ۹ نفر | ۵ مؤلف | ۶ اثر | دو نفر از مؤلفین کثیر التالیف هستند، ولی از اسامی و تعداد ایشان اطلاعی در دست نیست. |
| سده چهارم هجری | ۶۵ نفر؛ سمرقند و کش ۱۹ نفر بخارا ۲۱ نفر فرغانه ۱۰ نفر بقیه شهرها ۱۵ نفر | ۹ مؤلف | بیش از ۴۳۰ اثر | در این سده ده‌ها جلسات حدیث برپا شد و یکی از محدثان این دوره (حیدر بن محمد سمرقندی) راوی ۱۰۰۰ اصل و کتاب و شیعی در سمرقند بوده است. شیخ صدوق نیز در همین دوره در ایلاق کتاب من لا یحضره الفقیه را نگاشت و ۲۵۰ کتاب خود را در این منطقه اجازه روایت داد. |
| سده پنجم هجری | ۱۲ نفر؛ بخارا ۵ نفر سمرقند ۳ نفر نسف ۵ نفر | ۵ مؤلف | بیش از ۱۳۰ اثر | - |
| جمع | ۱۲۳ نفر | ۲۱ مؤلف | ۵۷۳ اثر | |

۲۰۳. مکتب‌ها و تفرقه‌ها، ص ۴۱.

۲۰۴. رک: فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراء النهر، ص ۱۱۵ - ۱۷۰.

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال، ابو عمرو محمد بن عمر کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، م ۱۳۴۸، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- ارباع خراسان الشهيرة، قحطان عبدالستار الحدیثی، جامعة البصرة، بصره، اول، ۱۹۹۰ م.
- الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين، خير الدين زركلي، دار العلم للملايين، بيروت، ۱۹۸۰.
- أعيان الشيعة، سيد محسن أمين، تحقيق: حسن الأمين، دار التعارف للمطبوعات، بيروت.
- الانساب، عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي سمعاني (م ۵۶۲ هـ) تقديم وتعليق: عبد الله عمر البارودي، مركز الخدمات والأبحاث الثقافية دار الجنان، بيروت، اول ۱۴۰۸ ق.
- ايضاح الاشتباه، حسن بن يوسف بن مطهر أسدي حلي (علامة حلي) (م ۷۲۶)، تحقيق: محمد الحسون، مؤسسة نشر اسلامي، اول، ۱۴۱۱ ق.
- بازشناسی منابع اصلی رجال شيعه، محمد كاظم رحمان ستايش و محمد رضا جديدي نژاد، سازمان چاپ و نشر دار الحديث، قم، اول، ۱۳۸۴ ش.
- تاريخ بغداد أو مدينة السلام، خطيب البغدادی (م ۴۶۳)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، اول، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م.
- تذكرة الحفاظ، ذهبی، دار احیاء التراث العربی.
- تفسير القرآن الكريم، ابو حمزة ثمالی (م ۱۴۸ ق)، جمع وتأليف: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، دفتر نشر الہادی، اول ۱۴۲۰ ق - ۱۳۷۸ ش.
- التفسير، محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، تصحيح وتحقیق: سيد هاشم رسولی محلاتی، المكتبة العلمية الاسلامية.
- التوحيد، محمد بن علی بن بابويه قمی (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ ق.
- تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسی (شيخ طوسی)، (م ۴۶۰ هـ)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش، سوم.
- تهذيب المقال فی تنقيح كتاب الرجال للشيخ الجليل أبي العباس أحمد بن علی النجاشی، سيد محمد علی موحد أبطحي، قم، دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابويه قمی (م ۳۸۱ ق)، تحقيق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- خلاصة الاقوال، حسن بن يوسف بن مطهر أسدي حلي (علامة حلي) (م ۷۲۶ ق)، تحقيق: مؤسسة نشر الفقاهة، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، اول.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، دار الأضواء بيروت، سوم، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.

- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، (م ۴۵۰ ق)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- رجال، ابن داود حلی (م بعد از ۷۰۷ ق) تحقیق: علامه سید محمد صادق آل بحر العلوم، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق.
- الرجال، احمد بن حسین غضائری، تحقیق محمد رضا الحسینی الجلالی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی، مؤسسة النشر الاسلامی.
- طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، سید علی أصغر جابلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ ق)، تحقیق: السید مهدي رجائی، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم، اول، ۱۴۱۰ ق.
- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس الحلّی، خیام، قم ۱۳۹۹ ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، اول.
- عیون أخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: السید مهدي الحسینی اللاجوردی، تهران: جهان، بی تا.
- الغیبه، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م ۴۶۰ ق)، مكتبة بصیرتی، قم، ۱۳۸۵ ق.
- الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق، عبد الحسین شبستری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، اول، ۱۴۱۸ ق.
- فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران، علیرضا چگینی، آستان قدس رضوی، مشهد، دوم، ۱۳۸۵ ش.
- فضائل الاشهر الثلاثة، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: غلام رضا عرفانیان، دار المحجة البيضاء دار الرسول الأکرم، دوم ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: مؤسسة نشر الفقاهة.
- الفهرست، منتجب الدین علی بن بابویه رازی، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، کتابخانه عمومی آية الله العظمى مرعشي نجفی، قم، ۱۳۶۶ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (شیخ کلینی)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق، سوم.
- کتاب سلیم بن قیس الهمالی، سلیم (م ۷۶ هجری) تحقیق: محمد باقر الأنصاری الزنجانی.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، دوم.
- کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، أبو القاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی، تحقیق: سید عبد اللطیف حسینی کوه کمره ای خوئی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر الغفاری، ۱۳۹۰ق، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- الکنی والألقاب الکنی والألقاب، شیخ عباس قمی، مكتبة الصدر، طهران.
- لسان المیزان، أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (م ۸۵۲ ق)، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، دوم، ۱۹۷۱ م/ ۱۳۹۰ ق.
- المجتبی من الدعاء المجتبی، ابن طاووس الحلّی، تحقیق صفاء الدین البصری.
- المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، محمد بن حبان بن أحمد أبی حاتم التمیمی البستی (م ۳۵۴ق)، تحقیق: محمود إبراهيم زاید.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علی، شفق نمازی شاهرودی، قم، اول، ۱۴۱۲ق.
- مسند الإمام الرضا، داود بن سلیمان بن یوسف غازی، تحقیق: السيد محمد جواد الحسینی الجلالی، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب مازندرانی، (م ۵۸۸ق)، قم.
- معانی الاخبار، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی وابسته بجامعة مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ هجری شمسی.
- معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله حموی رومی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹ م.
- معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، سید أبو القاسم موسوی خوئی، پنجم، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۲ م.
- مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانی، ویلفرد مادلونگ، ترجمه جواد قاسمی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۵.
- مناقب آل أبی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، تحقیق: یوسف بقاعی، دار الأضواء، بیروت، ط ۲، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
- المناقب، موفق بن أحمد بن محمد مکی (م ۵۶۸ ق)، مؤسسة النشر الاسلامی، تحقیق: مالک محمودی، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۱ ق.
- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت.
- الوضاعون و احادیثهم، عبد الحسین امینی (علامه امینی)، تحقیق: رامی یوزبکی، مرکز اسلامی الغدیر، اول، ۱۴۲۰ق.
- الیقین باختصاص مولانا علی (علیه السلام) بإمرة المؤمنین، ابن طاووس الحلّی، (م ۶۶۴ هـ)، تحقیق: الأنصاری، مؤسسة دار الكتاب (الجزائری)، قم مؤسسة دار الكتاب (الجزائری)، اول، ۱۴۱۳ق.